

درباره فیلم های حاضر در فجر چهل ودوم و طریقه برگزاری این رویداد

حساب فیلم ها از دبیرخانه جداست



مهرداد جلال زاده خبرنگار گروه فرهنگ

وقتی با جشنواره چهل و دوم فجر طرف می شویم، از یک سو با فیلم هایی طرفیم که در آن شرکت کرده‌اند و از دیگر سو با طریقه برگزاری این رویداد. یک جاسرو کار ما با فیلم ها و کیفیت آنها و تاثیرشان در روند های کلی تاریخ سینماست و جای دیگر با دبیر و هیات انتخاب و هیات داوران و از این قبیل مسائل. آنجا که مساله به طرز برگزاری جشنواره مربوط می شود، همیشه نقدهایی وجود داشته اما برگزارکنندگان این دوره موفق به ثبت رکوردهایی یکه و ممتاز شدند. هیات انتخاب عجیب ترین تصمیم هارا گرفت و چنانکه پیدا بود، نقش شخص دبیر در جهت دهی به این انتخاب ها بسیار پررنگ بوده است. قبل از اینکه بحث به نتیجه گیری های نهایی هیات داوران برسد، همین که ورودی جشنواره چطور تنظیم شد بسیار بحث برآنگیز از آب درآمد. فجر چهل و دوم در این زمینه رکورد های بی همتایی زد و فیلم هایی را به بخش مسابقه راه انداد که با هیچ توجیهی نمی شد پشت در نگه شان داشت و در عوض فیلم هایی را در رقابت پذیرفت که با هیچ ارفاقی قابل پذیرفتن نبودند. توجه به یک نکته اساسی در اینجلازم است و این نکته در ادامه مواجهه با هر کدام از دبیر های جشنواره که سیاست بازی یا باند بازی هارا پشت عنانورنی مثل سلیقه هیات انتخاب یا هیات داوران مینفی کردند، باید مطرح کرد. سلیقه صرفا تا یک جایی به رسمیت شناخته می شود و هر انتخابی باید توجیحات فنی قابل دفاعی داشته باشد. نمی شود که در یک جشنواره فیلم تحسین آمیزی مثل «باغ کیانوش» نه تنها به بخش مسابقه نیاید، بلکه حتی در نامزد های بهترین فیلم اول هم نباشد و بعد امثال «شور عاشقی»، «دست ناپیدا»، «دوروز دیرتر»، «دروغ های زیبا»، «نبودنت» و «شکار حلزون» که می توان هر کدام را به عنوان نمونه هایی از فیلم سازی بدر دانشگاه هاند ریس کرد، به سودای سیمرغ بیایند. اگر هیات انتخاب چنین سلیقه ای دارد و هیچ چیز به دخالت های دبیر جشنواره مربوط نیست، باید پاسخ بدهند که چرا جمعی با سلیقه ای تا این حد عقب تر از مبتدی ترین دنبال کنندگان سینما، باید هیات انتخاب مهم ترین جشنواره فیلم در ایران باشند؟ همه می دانند که عبارت «سلیقه» هیات انتخاب با هیات داوران صرفا بهانه ای برای توجیه دخالت های مدیران است و و این بهانه هم به قدری قدیمی و نخب نما شده که هیچ کس باورش نمی کند و بهتر است سراغ توجیحات جدی تر و جدیدتری بروند. وقتی رقابت سازندگان فیلم شکار حلزون با دبیر جشنواره فجر چهل و دوم باعث شود که این فیلم نه تنها به رقم ضعیف شدید فنی، بلکه با وجود زیر سوال بردن قاعده قصاص بتواند در جشنواره ای که بالاتا پایین فیلم های آن رانهاد های حاکمیتی و انقلابی تولید کرده اند، به بخش سودای سیمرغ بیاید، به کار بردن توجیهی مثل سلیقه هیات انتخاب به هیچ وجه باور نمی شود. چطور ممکن است سلیقه هیات انتخاب به طور کاملاتفاقی و تصادفی با تمام منافع و منویات دبیر جشنواره همخوان، و باز به طور کاملاتصادفی باتمام معیارهای فنی و محتوایی معهود، متناقض در بیاید؟

غیر از اینها فجر چهل و دوم در یکی از بی نظم ترین اشکال آن برگزار شد. باید از اشاره به این نکته شرمگین بود اما دبیر جشنواره حتی برای اینکه پذیرایی وعده ظهر از اهالی رسانه را انجام نهد، برنامه های سینمایی اهالی رسانه را طوری چید که فشاری چند برابر به همه وارد شد و همین شاید حتی روی قضاوت افراد نسبت به فیلم ها هم اثر گذاشت. فکر چنین نکته ای از آن جهت اهمیت دارد که ببینیم دبیر جشنواره چقدر پرستیژ و چقدر همت و حمیت برای درست برگزار کردن رویدادی که مهم ترین و بهترین فرهنگی انقلاب اسلامی است، دارد. برخورد دبیر جشنواره با رسانه های منتقد هم بدون ذره ای تردید در تمام ۴۰ دوره پیش از آن بی سابقه بود.

چند پدیده تحسین آمیز و چند شکست تلخ

اما در مورد خورد فیلم هایمی شود بحث مجال جداگانه ای طلبید. نقدا همین قدر قابل اشاره است که اقتباس، قهرمان پوروی، پدرانگی و وریش سفیدی، سینمای کودک و نوجوان، قصه های متأثر از فضای جنگ یا دوره پهلوی دوم و چندین و چند نکته دیگر که سینمای ایران طی سال های اخیر به شان توجه نمی کرد، دوباره مورد توجه قرار گرفته اند. حتی موضوعاتی مثل مهاجرت یا فرزند آوری هم امسال با رویکردی متفاوت در فیلم ها مورد اشاره قرار گرفتند. بعضی از فیلم ها در ارائه چنین موضوعاتی موفق بودند و بعضی نیافتند اما صرفا حرکت به سمت این مسائل و مضامین نکته قابل اشاره ای است. قصاص و مسائل قضایی هم در فیلم های این دوره به شدت مورد توجه قرار گرفته بودند و هر چند دبیر جشنواره طرف فیلمی ضد قصاص مثل شکار حلزون را گرفت و فیلمی مثل بی بدن که مدافع قصاص بود را به رقابت راه نداد و تا آخرین نفس در این راه ایستادگی کرد، رویکرد کلی سینمای ایران به موضوعی مثل قصاص را فارغ از تصمیمات شخصی مجتبی امینی می توان ارزیابی کرد. فیلم های بد و ضعیف کم نداشتیم و پررور های بزرگ و شکست خورده هم چند تایی بود اما مثل دوسه سال اخیر، سینمای ایران چند فیلمساز تازه و بسیار پر استعداد را در خودش دید که جزء امید های آینده هستند. چهار فیلمساز قدیمی این دوره که مربوط به نسل قبل هستند، یعنی افخمی، کلاری، جوزانی و ورزی، همگی درباره دوره پهلوی دوم فیلم ساختند و فضای آثار همه شان با زندان و دادگاه مرتبط بود. فیلمسازان جوان تر اما به جنگ و تیبعات آن توجه کردند، هر چند به جز دو فیلم «مجنون» و «آسمان غرب» هیچ فیلم دیگری کاملا جنگی نبود. در عوض آثاری مثل «آپاراتچی»، «باغ کیانوش» و «پرویز خان» که جزء پدیده های جشنواره بودند، از جنگ استفاده دراماتیک کرده بودند ولی موضوع شان چیز دیگری بود. به طور کل وزن کیفی فیلم های این دوره نسبت به قالب دوره های دیگر، اگر چندان فراتر نباشد فورتر هم نیست؛ اما از یک طرف معاصرانگی باعث می شود که قدر و قیمت بعضی پدیده ها به چشم نیاید و و از طرف دیگر طریقه برگزاری جشنواره نگذاشت که برقی جذابیت بعضی از فیلم هادر چشم مخاطبان بدرخشد و همین به سیمای کلی آثار این دوره صدمه زد.

جستاری در باب تروما و سینما؛ شرحی بر مهندسی

جشنواره فیلم فجر



آراز مطلب زاده خبرنگار

یکم

در روان درمانی به افرادی که رخداد تروماتیکی را از سر گذرانده اند گفته می شود که سعی کنند تا آن رخداد را به خاطر آورند. درمانگر می کوشد بیمار تمام اجزا و جزئیات آن حادثه و تلخ و سهمگین را به یاد آورد، به آن بیندیشد، به کلام تبدیل کند و درباره آن حرف بزند. این پرون ریزی کلامی بسیار دردناک و غالبا همراه است با تخلیه هیجانی. به عبارت واضح تر بیمار با هر تداعی، به گریه می افتد، فریاد می زند و اشک می ریزد. با این حال این فرآیند نقطه ابتدایی رفع تروماست. به مدد این فرآیند است که واپس رانی متوقف می شود، رخداد تروماتیک به سطح خود آگاهی می آید و این مواوجه راهگشایانه تروما را به سمت انحلال می برد.

دوم

در سال های غربیسی زیست می کنیم. در سال های اخیر از حکمرانی غلط داخلی گرفته تا فشارهای سنگین خارجی همگی جامعه ایران را به ورطه تجربه سهمگین فتن ها، بحران ها و آشفتگی ها رسانده است. ما در طول ۶ سال اخیر با ۳ ناآرامی خیابانی در سال های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ مواجه بودیم. همچنین در دی ۹۸ تور سردار سلیمانی و سقوط هواپیمای اوکراینی را از سر گذرانده ایم، مضاف بر این موارد انتخابات های ۹۸ و ۱۴۰۰ هم به مثابه وقایعی بودند که طیف هایی از جامعه قادر به همدلی با آن نبودند. اگر تروما را به مثابه رخدادی سهمگین، تلخ و غیرقابل باور در نظر بگیریم که روان قادر به پردازش آن نیست، تمام این رخداد هایی که نام بردیم واجد سویه هایی از تروما در خود هستند. فلذا به عبارت دقیق تر ما به مثابه یک ملت سال های تروماتیکی را از سر گذرانده ایم.

سوم

سینما پدیده ای است که می تواند این تروماها را فرایخواند. سینما آنچه که از جامعه/مخاطب بازتاب می دهد قادر است جایی از خود آگاه/ناخود آگاه مخاطب را تکان دهد، به فراخوانی تروما های جمعی منجر شود و نوعی از پرون ریزی را در مخاطب پدید آورد. ما عمدتا این وجه از قابلیت های سینما را در ایران خودمان دیده ایم. سینمای ایران همیشه واجد نسبتی

42nd FAJR FILM FESTIVAL INTERNATIONAL

۱۲ تا ۲۲ بهمن ۱۴۰۲

Tehran, February 1-11, 2024

این بود ویتترین سینمای ایران؟



محمدسجاد حسینی منتقد

چهل و دومین جشنواره فیلم فجر، ویتترین زشت برای سینمای ایران بود. جشنواره ای که پر بود از آثاری خام دستانه و بعضا توهمین آمیز، که تحمل شان برای هر سینمادوستی سخت است. در سراسر جشنواره، تعداد شخصیت هایی که به خوبی ساخته و پرداخته شده بودند و می توانستند تماشاگر را با خود همراه کنند، به تعداد انگشتان یک دست نیز نمی رسید. مشکل فیلمنامه و قصه گویی، که مشکل همه گیر سینمای ایران است، در این جشنواره نیز به شدت حس می شد. اگر فیلم های این جشنواره، برترین آثار سال سینمایی یک کشور باشند، نمی توان آن کشور را صاحب سینمایی جدی دانست. با این حال نمی توان مطمئن بود این آثار، واقعا بهترین های سال سینمایی پیش رو باشند. با اعلام فیلم های راه یافته به جشنواره و بیرون گذاشته شدن آنان چند فیلمساز معتبر، انتقادها به هیات انتخاب آغاز شد. اما این پایان کار نبود و عمق فاجعه در عملکرد هیات انتخاب، با شروع جشنواره بیشتر به چشم آمد. فیلم های بی ارزش و بعضا کمذی ناخواسته، هر روز روی پرده می رفتند و این سوال را در ذهن مخاطبان بزرگتر می کردند که چطور چنین آثاری برای حضور در جشنواره انتخاب شده اند. هیات انتخابی که طبق ادعا، صرفا براساس کیفیت فیلم ها، آثار راه یافته به جشنواره را انتخاب می کرد، در همان روزهای ابتدایی جشنواره دستش رو شد. دیگر فاجعه مدیریتی در جشنواره چهل و دوم، ایجاد بخش نگاه بود که موجب شد آثار مهم و خوبی از رقابت برای سیمرغ خارج شوند. یکی از این آثار که حاشیه های زیادی را نیز به همراه داشت، فیلم مهم «بی بدن» بود که مجتبی امینی، دبیر جشنواره حتی پس از توصیه وزیر ارشاد نیز حاضر به راه دادنش به بخش مسابقه نشد. یکی دیگر از

این آثار، فیلم خوب «باغ کیانوش» بود که به اذعان اکثر اهالی رسانه، یکی از بهترین فیلم های جشنواره به شمار می رفت، اما این فیلم نیز از رقابت برای سیمرغ محروم شد. این فاجعه در داوری های نیز ادامه پیدا کرد، جایی که باغ کیانوش حتی در بخش های بهترین فیلم و بهترین کارگردان اول نیز نامزد نشد. البته عملکرد ضعیف داوران محدود به این بخش نمی شود و در بخش های دیگری همچون فیلمنامه، فیلمبرداری و کارگردانی نیز انتخاب های نابلدانه به چشم می آیند. اما در میان شلوعی های جشنواره امسال، چند خاطره خوب نیز در ذهن سینمادوستان باقی خواهد ماند. «تمساح خونی» به عنوان اولین تجربه کارگردانی جواد عزتی، فیلمی بود که تماشاگران را سرحال آورد و همه را به ادامه دوران کاری عزتی امیدوار کرد. «رویا شهر» انیمیشنی خوش ریتم و قصه گو بود که فیلمنامه قدرتمندش، در میان بهترین فیلمنامه های کل جشنواره قرار می گیرد. «پرویزخان» نیز یکی از بهترین فیلم های جشنواره بود که در بین معدود آثار ورزشی موفق در تاریخ سینمای ایران قرار می گیرد. فیلم می تواند هم تیم بسازد هم قهرمان و بیننده را تا آخر با تیم ملی و «البته قهرماش، پرویز دهداری همراه می کند.

اما بهترین فیلم جشنواره برای من فیلم بزرگ باغ کیانوش بود. برای اولین بار در تاریخ سینمای ایران، یک فیلم ویژه نوجوان خوب تولید شد و این امر جای خوشحالی دارد. باغ کیانوش به خوبی به جهان مورد نظرش نزدیک می شود و آن را می سازد. فیلمنامه اقتباسی فیلم، یکی از بهترین فیلمنامه های جشنواره است و لحظه ای از ریتم نمی افتد. رضاکشاورز حداد به عنوان نویسنده و کارگردان اش، سطحی از کاربلدی را نشان داد که نمی تواند اتفاقی باشد و ما را به ادامه کار هنرمند جوان امیدوار می سازد. درکنار این آثار، فیلم های «بی بدن»، «ملکه آلیشون»، «آسمان غرب» و «مجنون» دیگر فیلم هایی هستند که در سال سینمایی پیش رو، ارزش حداقل یک بار دیده شدن را دارند.

۴۲مین جشنواره بین المللی فیلم فجر

۱۲ تا ۲۲ بهمن ۱۴۰۲

Tehran, February 1-11, 2024

بیم و امید فجر



ایمان عظیمی منتقد

چهل و دومین جشنواره فیلم فجر هم با تمام نکات مثبت و منفی اش به پایان رسید؛ نامزد ها اعلام شدند و جوایز به برندگان اهدا شد. سیمرغ هالیته ماندنی نیستند و نمی توانند برای آثار اعتبار به دست بیاورند. فیلم خوب فیلمی است که باگذشت دوران و نوشدن زمان ارزش مضمونی و فرمایشک را از دست ندهد و در خاطره جمعی مخاطبان نیز حک شود. سال ها از برگزاری اولین دوره جشنواره فجر می گذرد، فیلم ها آمدند، در بخش مسابقه حضور پیدا کردند و جایزه هم بردند ولی آیا همه این آثار توانستند به زیست خود در سینمای ایران ادامه دهند و جریان ساز شوند؟ قطعاً خیر. سیمرغ ها و دیدلیم های افتخار آزی پی می می آیند و به افراد اهدا می شوند اما نباید اینها را جدی گرفت، چون سلیقه هیات داوران و سیاست های هر دوره در این انتخاب ها تعیین کننده است و بیش از هر معیار دیگری به آنها اهمیت داده می شود. چهل و دومین جشنواره فیلم فجر هم در این خصوص خرق عادت نکرد و براساس همین فاکتورها آثار را مورد قضاوت قرار داد است. نکته امیدوارکننده این دوره از جشنواره حضور چشمگیر فیلمسازان جوان در قسمت های مختلف و درخشش آنها در نظر تماشاگران اصحاب رسانه و منتقدان بود؛ به طوری که فیلم های «پرویزخان»، «باغ کیانوش»، «نوروز» و «آپاراتچی» توانستند نگاه های منتظر به ظهور فیلم های سرگرم کننده و دغدغه مند را به خود جلب کنند و در بسیاری از نظرخواهی ها حضور پررنگی داشته باشند. کاهش چشمگیر ملودرام های به ظاهر اجتماعی و سهم ویژه فیلم های کودک و نوجوان و اهمیت به مقوله زانو و حضور فیلم های پرتره، مردانه و قهرمان محور را می توان به عنوان مهم ترین ویژگی دوره چهل و دوم به حساب آورد که آثارش قطعاً در اکران سال آینده نمایان می شود. تولیدات سینمای ایران از نیمه دهه ۷۰ تا همین چندسال قبل در اغلب موارد به فیلم های مجهول و مجعول اجتماعی ختم می شد، اما چند